

شیر و قهوه به جای قند و چای روسی

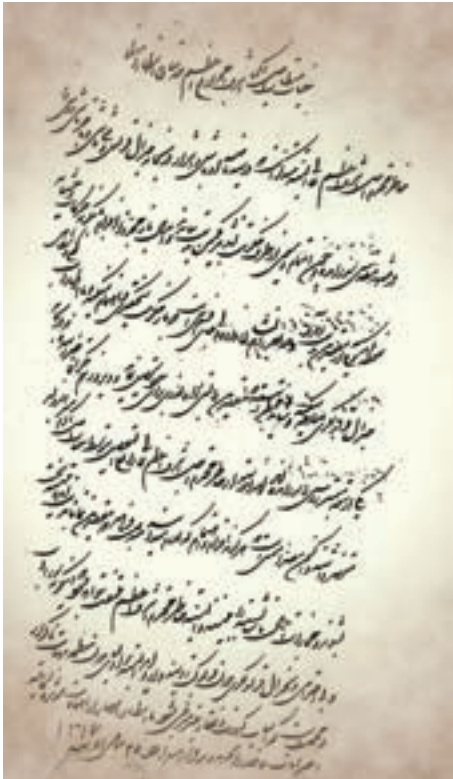
سیده نعیمه زبینی| پس از انقلاب مشروطه چند مستشار آمریکایی به ایران می آیند تا در اصلاح امور مالی دولت به دربار کمک کنند. روسیه که منافع خودش را در تضاد با این کار می بیند، به دولت ایران اولتیماتوم می دهد که مستشاران آمریکایی را اخراج کند. شاه هم از ترس اشغال ایران توسط روس ها، مجلس را منحل و آمریکایی ها را اخراج می کند. این موضوع سبب می شود اعتراض هایی در سراسر ایران، از جمله مشهد به راه بیفتد و کالاهای روسی به خصوص در عزاداری های ماه محرم آن سال تحریم شود؛ کالاهایی که دامنه آن به قند و چای روسی هم می رسد.



میرایان روسی در داخل ایران، اواخر دوره قاجار



نمایی از یک قهوه خانه تعطیل شده در اعتراض به مصرف قند و چای روسی / تهران _ دوره قاجار



سند آتش زدن خانه یکی از تجار روس در مشهد به دلیل انزجار از مصرف کالای روسی

تهیه چراغ پیه سوز و روغن چراغ هستند که لامپا و نفت را هم به کلی ترک کنند.^۱ گویا نامه ای از علما به بخونوردهم می رسد که سیاهه آن در روزنامه ایران نوبه چاپ رسیده است: «هوا به شدت سرد است. به واسطه تلگراف آقایان علما، انجمن ایالتی مشهد، مجالس روضه خوانی جای را موقوف نموده و قهوه تلخ می خورند. در بعضی منازل هم نفت و شمع را موقوف داشته، روغن کرچک می سوزانند».

این روزنامه در ۱۹ محرم همین سال می نویسد که شدت احساسات منفی مردم خراسان برابر روس ها، شدیدتر از گذشته شده است: «مسئله باکوت (بایکوت) تحریم امتعه روس در خراسان، روز به روز دارد کسب شدت و عمومیت می کند. احساسات اهالی از وقتی که مقداری قوای نظامی روس، جدیداً وارد خراسان شده، اتصالاً برای روس ها نفرت آمیزتر است».

پایان تحریم ها با فراموشی البته دوره تحریم کالاهای روسی در مشهد، زیاد طولانی نیست و چای و قند خیلی زود به سبد کالای مردم بازمی گردد، چند روز بعد از اعلام تحریم، یک تاجر هندی که تعهد ایرانی ها را در برابر این حکم نداشته است، عهده دار تحویل چهل بار (محموله) قند روسی می شود و مردم هم واکنشی به این کار نشان نمی دهند، البته گویا در آغاز تحریم ها، عده ای از مردم به بازرگان هایی که از روسیه کالا وارد می کردند، نامه های تهدیدآمیزی می نویسند که تأثیرش را در درازمدت از دست می دهد و موضوع ممنوعیت متاع روسی، اندک اندک به فراموشی سپرده می شود.

کتان، چای و قند روسی را تحریم می کنند. روزنامه «نوبهار» در محرم سال ۱۳۲۹ قمری در گزارشی، این ماجرا را توصیف می کند و می نویسد: «مردم در مجالس تعزیه ابعاد...^۲ به جای قند و چای، قهوه با عسل می نوشیدند. مردم حتی در خلوت خود هم به این موضوع پایبند و از چای و قند روی گردان بودند». روزنامه «حیل المتین» نیز در همین ایام، چنین خبر می دهد: «تمام تجار به عمال خود در روسیه، تلگراف نمودند که دیگر متاع (کالا) روسی جهت ایران خریداری ننمایند و الان در تمام مجالس روضه خوانی عوض چایی، قهوه شیر با عسل می دهند».

ممنوعیت از مشهد به خراسان تسری یافت ممنوعیت کالای روسی به وسیله مردم مشهد، در اندک زمانی، نقل محافل بسیاری در دیگر بلاد خراسان می شود و عزاداران حسینی این شهرها را هم به جمع تحریم کنندگان مشهدی اضافه می کند، برای نمونه روزنامه «ایران نو» هفتم محرم سال ۱۳۲۹ قمری از سبزوار چنین خبر می دهد: «اهالی مشغول تعزیه داری و دعاگویی هستند. تلگرافی از علمای خراسان به توسط انجمن ولایتی رسید که موافقت با علمای خراسان در ترک اشیای محموله از روسیه بنمایند و درمیان مردم، مذاکرات زیاد است و در منابر و عاظ، اهالی را ترغیب به این موافقت می نمایند».

جراید همچنین درباره پیروی مردم شیروان از علمای مشهد نوشته اند: «دیروز که تلگرافی از انجمن ایالتی در باب ترک امتعه روسی رسیده، علما و اهالی در مسجد به کلی حرام و متروک کردند و عوض چایی در روضه خوانی ها، شیر و شیر (عسل) صرف می نمایند و از امروز مشغول

مشهدی به نام «حاج شیخ مهدی سلطان المتکلمین» در اجتماع مردم میان مسجد گوهرشاد، مفاد اولتیماتوم روسیه و همچنین فتوای آخوند خراسانی درباره لزوم جهاد برضد روس ها را برای حاضران می خواند که با واکنش شدید ضدروسی آنان مواجه می شود. روس ها برای درهم شکستن مقاومت مردم مشهد، بسیار تلاش می کنند و از آن میان می کوشند به صفوف روحانیان مشهد که در آن زمان حدود ۳ هزار نفر بودند، نفوذ کنند اما توفیق نمی یابند و فقط می توانند با رشوه دادن و فریفتن یکی از تجار مشهدی، به محفل مشروطه خواهان راه یابند. در ادامه، شاگردان مدارس مشهد به تحریک معلمان خود، با علم و بیرق در کوچه و بازار، راهپیمایی ضدروسی به راه می اندازند. شعار آنان در این راهپیمایی، این دو بیت است:

آنچه اندر پرده داری آسمان، بنما عیان تن نخواهند داد بر ظلم و ستم ایرانیان سر به کف، جان در قدم، داریم ما ورد زبان یا که استقلال ایران یا که مرگ ناگهان پذیرایی روضه با قهوه و عسل

از قضا اعلام این ممنوعیت، هم زمان می شود با ایام عزاداری سیدالشهد^۳، به همین دلیل هم مردم در بیشتر عزاداری های خود از صرف چای و قند خودداری می کنند. ممنوعیت مصرف کالاهای روسی تأنجا پیش می رود که یکی از روحانیان ساکن مشهد، عمامه اش را که از پارچه کتان روسی بود، به صورت نمادین پاره می کند و در آتش بخاری می اندازد. گروهی از اعضای انجمن ایالتی مشهد نیز به پیروی از این عالم، پیراهن های خود را که از پارچه خارجی دوخته شده بود، پاره کرده، مصرف پارچه

ممنوعیت چای و قند در روضه ها مجلس شورای ملی با قاطعیت تمام، در آذر ۱۲۹۰ خورشیدی اولتیماتوم روسیه را رد می کند اما نیروهای روسی حاضر در مشهد از دخالت های بسیارشان در امور این شهر دست برنمی دارند. همین مسئله سبب می شود روحانیان، مجاهدان قفقازی و حتی مردم، خود را برای ایستادگی برابر نیروهای روسی آماده کنند که اعلام جهاد علیه روس ها و مبارزه مسلحانه با آن ها، نتیجه بخشی از این ایستادگی است. شکل دیگر این مقاومت اما با تحریم کالاهای روسی که در آن دوران بازارهای مشهد را قبضه کرده بودند، نمایان می شود. از آنجا که رهبری این اتفاق برعهده علمای مشهد است، آن ها در اطلاعیه ای اعلام می کنند: «علمای عظام و حجج اسلامیه نجف اشرف که از ارکان عالیه روحانی ما به شمار می آیند، در جلوی حرکات دول همجوار متعدی، به خصوص دولت روس، اظهار تنفر فرموده و به ترک امتعه (کالا) این دولت استظهار متواتره صادر فرموده اند. از امروز به ترک امتعه روس میان بسته و با تمام نفرت خودمان، اجناس این دولت جابر را به نظر، بی لیاقتی دیده و به کلیه مال التجاره از قند و چای روس و سایر اقمشه (قماش) و اشیاء را بر خود حرام داشته و هرکس از ایرانیان که جنس روسی استعمال کند، او را از کسوت روحانیت، عاری شناخته و یا او آمدورفت را موقوف خواهیم کرد». این بیانیه تندوتیز سبب می شود چای و قند که آن زمان بیشتر از کشور روسیه وارد می شد، تحریم شود و مردم حتی چای هندی را هم به گمان روسی بودن، کنار بگذارند.

همچنین برابر آنچه دکتر یوسف متولی حقیقی در کتاب «تاریخ معاصر مشهد/ جلد یک» می نویسد، در همین راستا، یکی از روحانیان

ایرانیان و تحریم کالاهای روسی



سفارت روسیه در تهران/ دوره قاجار



اعتصاب بازار تهران برای تحریم کالای روسی/ دوره مشروطه



تراموا (واگن اسبی) که در زمان تحریم کالاهای روسی، مردم سوار شدن به آن را ممنوع کردند

علاوه بر این ها، پس از حمله روسیه به ایران (که با توافق و رضایت انگلیس صورت گرفت) فضایی ایجاد شد که در آن، زنان برای انتقام گرفتن از دولت های اروپایی، به قهوه خانه ها می رفتند و از صاحبان این اماکن می خواستند که مصرف شکر اروپایی را متوقف کنند و در غیر این صورت، قهوه خانه ها را ببندند. آنان همچنین استفاده از کالسکه اروپایی را که بیشتر برای انتقال زنان کاربرد داشت، تحریم کردند.

روسیه به ایران، یکی از زنان میان اجتماعی که در تهران شکل گرفته بود، برای احساسات حضار گفت: «خانم های عزیز! نرسید و جدا بکوشید تا پای اجنبی را از خاک پاک مملکتان دور سازیم». پس از آن زنان کوشیدند مصرف کالاهای روسی و انگلیسی را کاهش دهند و حتی به مغازه هایی که کالای خارجی می فروختند، با سنگ و چماق حمله می کردند و سوار تراموای تهران نمی شدند، زیرا گمان می کردند این تراموا روسی است، درحالی که متعلق به بلژیک بود.

کرده بودند. در پیچه ها و شیشه مغازه هایی که در آن، امتعه روسی نمایش داده و فروخته می شد، شکستند. همچنین سعی و مواظبت تامی می نمودند تا کسی چای نخورد، اگرچه چای هندوستان هم باشد، زیرا که اغلب چای های تهران از روسیه می آمد، جالب است بدانید در جریان اولتیماتوم روسیه، زنان نیز همگام با دیگر گروه ها، جزو معترضان به روسیه بودند. پس از اولتیماتوم

غلامرضا آذری خاکسترا «مورگان شوستر» در کتاب «اختناق ایران» درباره فعالیت های ضدروسی این دوران نوشته است: «از طرف علما و پیشوایان روحانی، حکم به تحریم و بایکوت امتعه روس و انگلیس [داده] شد. ایرانیان، سواری تراموای تهران را که به سبک قدیم بود، به گمان آنکه متعلق به روس هاست، نیز ترک کردند. تمام روز تراموای مزبور، خالی و بدون مسافر می چرخیدند. جوانان و شاگردان مدارس و زنان، دسته دسته فضای خیابان ها را پر



کهن دژ بین سال های ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۵ خورشیدی عکاس: جیانوزی

تصویر کهن دژ از دوربین یک افسر ایتالیایی

فوتو مشهد

اردلان| این عکس که جیانوزی آن را در اواخر دوره قاجار گرفته، بقایای یک برج نگهبانی بر روی بارو یا همان حصار خشتی توس (کهن دژ) است که برای قرن ها تنها سد دفاعی این حدود در مقابل تهاجم دشمنان بوده است. برابر مکتوبات تاریخی، این حصار در دوران رونق آن، یک فرسخ طول داشته و دارای ۹ دروازه و ۱۰۶ برج بوده است.

کهن دژ همچنین مجموعه ای از بناهای مسکونی بوده است که حاکمان و امرای شهر از آن به عنوان منزل استفاده می کردند. فاصله کهن دژ با باروی شهر نابران، نیز در گذشته حدود ۲۵۰ متر بود و جالب است بدانید دورنادر این دیوار برای جلوگیری از ورود دشمنان به داخل شهر توس، خندقی به طول ۱۰۵۰ متر و پهنای پانزده متر هم کشیده بودند. کارشناسان و مسئولان در طرحی چندساله به دنبال بازسازی این دیوار هستند.